



# گسترش ناتو به شرق: بررسی موضع گرجستان

حجت‌الله فغانی<sup>۱</sup>

قفقاز جنوبی بخش مهمی از فضای جدیدی است که علاوه بر ایفای نقش محوری در تحقق طرح‌های نفتی و ترانزیتی، از بُعد امنیتی نیز حائز اهمیت ویژه‌ای است و به همین دلیل در مرکز توجه ناتو قرار گرفته است. گرجستان به عنوان دروازه ورودی قفقاز و حساسترین بخش آن، از گسترش ناتو و اقدامات جدید آن به گرمی استقبال می‌کند و آن را از هر لحاظ منطبق با منافع خود می‌بیند. تأکید شواردفادزه بر ناکارآمدی سیستم امنیتی موجود جهان (ناتوانی شورای امنیت سازمان ملل در تأمین و تضمین صلح جهانی)؛ اصرار وی بر لزوم تجدیدنظر در سازوکارهای موجود برای برقراری صلح جهانی و حل مناقشات قومی با استفاده از زور؛ اظهارات صریح او مبنی بر اینکه «نقشه‌های موجود جهانی متناسب با شرایط جنگ سرد تهیه شده و اکنون دنیا چهره جدیدی یافته و نیازمند نقشه‌های تازه و واقع‌گرایانه دیگری است» و تلقی وی از ناتو به عنوان «نیروی که قادر است صلح را در هر نقطه زمین که بخواهد مستقر نماید» مؤید دیدگاه جدید گرجستان نسبت به گسترش ناتو و برنامه نوین آن است.

زمانی که سه جمهوری قفقاز جنوبی به عضویت برنامه مشارکت برای صلح ناتو درمی‌آمدند، تصور نمی‌رفت که هیچ‌یک از آنها به این سرعت خواستار ترک سیستم امنیت دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ خروج نظامیان روسیه از قفقاز و استقرار پایگاه‌های نظامی ناتو در این منطقه گردد، یا برای حل مناقشات موجود در قفقاز، تکرار الگوی کوزوو و اقدام نظامی ناتو را پیشنهاد نماید. چنین تحولاتی، به‌ویژه همکاری امنیتی و دفاعی قفقاز جنوبی با غرب، اگرچه در نگاه نخست بعید به نظر می‌رسید، اما عملاً جامه تحقق پوشید.<sup>۲</sup>

۱. آقای حجت‌الله فغانی کارشناس سیاسی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در گرجستان است.

۲. نباید از نظر دور داشت که همکاری‌های امنیتی و دفاعی، از آن دسته از فعالیت‌های مشترک هستند که

به نظر می‌رسد، بسیاری از تحولات حاصله در فضای سیاسی منطقه در سال‌های اخیر، محصول تداوم و تقارن چهار روند مهمی باشد که در زیر به آنها اشاره خواهد شد. این روندها سبب شدند تا بازیگران خارجی جدیدی در بخش عمده‌ای از قفقاز جنوبی جایگزین بازیگران سابق گردند.

### روندهای چهارگانه تأثیرگذار بر تحولات قفقاز

(الف) ایجاد تحول در بسیاری از مفاهیم روابط بین‌الملل، به ویژه بازتعریف غرب از مفاهیم امنیت و تهدیدات، پس از فروپاشی شوروی؛

(ب) نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی داخلی روسیه و آثار نامطلوب آن بر جایگاه بین‌المللی و سیاست خارجی این کشور که عدم تحرک و ناکارآمدی سیاست قفقازی روسیه یکی از پیامدهای آن است؛

(ج) غرب‌گرایی و انجام اصلاحات متأثر از الگوهای غربی در جمهوری‌های قفقاز جنوبی؛

(د) افزایش نقش معادلات انرژی و حمل‌ونقل در قفقاز که این امر نیز خود محصول گشوده شدن فضای اقتصادی و سیاسی - امنیتی مذکور به روی جهانیان است.

بسیاری از کشورهای شوروی سابق، از جمله گرجستان و آذربایجان، در دوره بعد از کمونیستی، مفهوم ناقص و محدودی از استقلال را وجه همت خود قرار دادند و آن را تنها معادل‌رهایی از سلطه شوروی سابق (یا خلف آن روسیه) گرفتند و متقابلاً توسعه و پیشرفت را هم، مساوی غربی شدن و تطابق هرچه بیشتر با ساختارهای اروپایی - آمریکایی انگاشتند. پیامد طبیعی چنین تفکر و بینشی، انجام اصلاحات سیاسی و ساختاری براساس الگوهای غربی بود که منجر به تدوین و تصویب قانون اساسی برگرفته از قوانین غربی و تغییر نظام‌های سیاسی جمهوری‌های قفقاز به نظام‌های ریاستی در سال ۱۹۹۵ گردید. از آن پس شاهد واگرایی تدریجی دو جمهوری گرجستان و آذربایجان از روسیه و جامعه کشورهای

معمولاً در مراحل پیشرفته‌ای از همگرایی طرفهای یک همکاری تحقق می‌یابند و مؤید انطباق گسترده و پایدار منافع آنها هستند.



مشترک‌المنافع و همگرایی گام به گام آنها با ساختارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب هستیم.

موارد زیر نمونه‌هایی از واگرایی گرجستان و آذربایجان از روسیه و همگرایی آنها با غرب هستند:

رواج پول ملی که به منزله خروج از حوزه اقتدار روبل روسی بود؛ اهتمام نسبت به جلب سرمایه‌های سرمایه‌گذاران غربی؛ امتناع از پیوستن به اتحادیه گمرکی و ابراز تمایل و اقدام برای عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO)؛ اخذ اعتبارات گسترده از منابع و مراجع بین‌المللی که تحت نفوذ شدید قدرتهای غربی قرار دارند<sup>۱</sup>؛ کوشش برای ابقای نقش محوری در تحقق طرح تراسکا و ترانزیت انرژی خزر و آسیای مرکزی به بازارهای جهانی (به‌عنوان یک محور رقیب برای روسیه)؛ تلاش برای پیوستن به ساختارهای سیاسی اروپایی از جمله شورای اروپا<sup>۲</sup>؛ مخالفت روزافزون با حضور نظامیان و پایگاههای نظامی روسیه در قفقاز جنوبی<sup>۳</sup>؛ خروج از سیستم امنیت دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع پیوستن به برنامه مشارکت برای صلح ناتو و تلاش برای تشدید همکاری‌های نظامی با این سازمان و اعضای آن.

در این نوشته، بنابه مقتضای بحث، تنها به یک بُعد از تحولات فوق، یعنی تشدید همکاری‌های نظامی، دفاعی و امنیتی ناتو با جمهوری‌های قفقاز جنوبی و مشخصاً گرجستان، خواهیم پرداخت. دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر چه اندیشه نفوذ در فضای امنیتی شوروی سابق از نخستین لحظه فروپاشی این

۱. گفتنی است گرجستان تعهد دارد که در قبال اعتبارات دریافنی از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، در تدوین و هزینه بودجه ضوابط خاص و توصیه‌های آنها به‌ویژه صندوق بین‌المللی پول را رعایت نماید. کارشناسان صندوق مذکور نیز نظارت پیوسته و دقیقی بر حسن اجرای این تعهدات دارند.

۲. گرجستان از ۲۷ آوریل ۱۹۹۹ رسماً به عنوان چهل‌ویکمین عضو شورای اروپا پذیرفته شد.

۳. نظامیان روسیه از همان ابتدا از آذربایجان خارج شده و در حال حاضر نیز هیچ نظامی روسی تحت عنوان مرزبان یا نظایر آن در این کشور حضور ندارد. اما در گرجستان با وجود کاهش نیروهای نظامی روسیه، هنوز هم گروهی از مرزبانان آن کشور باقی مانده‌اند و چند پایگاه نظامی روسیه نیز در خاک این کشور وجود دارند. اما هر دو جمهوری گرجستان و آذربایجان به‌طور اصولی با ابقای نیروها و پایگاه‌های روسیه در قفقاز جنوبی مخالف‌اند.



امپراتوری، فکر و ذهن رقبای غربی را به خود معطوف ساخت، اما اقدام عملی آنها در این زمینه با کمی تأخیر صورت گرفت. دلیل این تأخیر نیز تا حدودی روشن بود: زیرا در آن هنگام سیاست قفقازی روسیه هنوز کارآمدی و یا «نمرد کارآمد» خود را از دست نداده بود و همگان - حتی خود کشورهای قفقاز هم - اولویت منافع روسیه در این حوزه را کمابیش به رسمیت می‌شناختند. همین امر غرب را در دست‌اندازی به این منطقه محتاط‌تر می‌کرد. علاوه بر این، آنها طرح‌ها و برنامه‌های مهمتری را در دستور کار داشتند و هنوز جمهوری‌های قفقاز، که یا انبوهی از مشکلات طبیعی و تحمیلی ناشی از استقلال مواجه بودند، در محاسبات غرب جایی نداشتند.

معادلات مربوط به انرژی و حمل‌ونقل نیز در آن ایام پا را از مرحله طرح و بررسی‌های کارشناسانه بیرون گذاشته بود. به همین دلیل تأمین امنیت انتقال این منابع به بازارهای جهانی (برخلاف نقش و اهمیت خاصی که اکنون دارد) در آن هنگام اصولاً موضوعیتی نداشت.

به‌نظر می‌رسد عضویت جمهوری‌های قفقاز، از جمله گرجستان، در برنامه مشارکت برای صلح، نخستین اقدام عملی و سنگ بنای ناتو در دست‌اندازی نظامی به قفقاز باشد. البته این موضوع در ابتدای امر چنانکه باید جدی گرفته نشد، لکن هرچه زمان می‌گذرد اهمیت راهبردی این واقعه بیشتر نمایان می‌شود، به گونه‌ای که وقوع این امر، در آذربایجان به طرح پیشنهادهای نظیر واگذاری پایگاه نظامی به ناتو و ترکیه منتهی گردیده و در گرجستان هم پیامدهای دیگر و بعضاً اساسی‌تری داشته است که در ادامه بحث به بیان اهم آنها خواهیم پرداخت.

همکاری‌های گرجستان با ناتو و اعضای آن، عمدتاً در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح انجام می‌شود. این همکاری‌ها در دو سال گذشته و مشخصاً از زمان استعفای نادیبایدزه وزیر دفاع (متمایل به روسیه) این کشور و روی کار آمدن توادزه که خود از دست پروردگان ناتو بوده و دانش نظامی اندک خود را در آموزشگاه‌های سازمان مذکور کسب کرده، ابعاد گسترده‌تری یافته است.

گرجستان که تا یک سال پیش، هیچ چشم‌انداز برای ورود خود به ناتو نمی‌دید و در



واکنش به برنامه «گسترش ناتو به شرق» ضمن مخالفت تلویحی با آن، طرح «گسترش اتحادیه اروپا» را پیشنهاد می‌کرد،<sup>۱</sup> اکنون (به‌ویژه پس از مداخله نظامی ناتو در بحران بالکان) آشکارا از اشتیاق خود برای پیوستن به این سازمان سخن می‌گوید. شواردناوزه پس از شرکت در اجلاس سران ناتو در واشنگتن، ضمن اعلام این مطلب گفت: «اگرچه زمان دقیق پیوستن گرجستان به ناتو مشخص نشده اما این امر پیش از زمانی که انتظار می‌رود، صورت خواهد گرفت».

نگرش جدید گرجستان و ناتو به یکدیگر و تحول و تحرک صورت گرفته در روابط آنها، حاصل شرایط و عوامل متعدد و متقابلی است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تداوم اصلاحات ساختاری به سبک غربی در عرصه‌های مختلف از جمله در زمینه‌های نظامی، دفاعی و امنیتی گرجستان موجب افزایش تمایل و توجه تفلیس و ناتو به یکدیگر گردیده است؛

۲. پذیرش گرجستان در شورای اروپا، توقعات گرجستان را از یک سو و انگیزه‌های غرب را از سوی دیگر برای مشارکت در تحولات این کشور افزایش داده و مبنای حقوقی مناسب و بهانه‌های لازم برای توسعه همکاری‌ها از جمله در ابعاد نظامی و امنیتی را هم فراهم آورده است؛

۳. ناتوانی روسیه در حفظ نفوذ خود در قفقاز و عدم مساعدت جدی این کشور به حل مناقشات گرجستان، ضمن مایوس کردن گرجی‌ها از کمک همسایه شمالی، نگرانی قبلی آنها را از واکنش احتمالی روسیه نسبت به مساعدت ناتو به حل مناقشات مذکور، تا حدود زیادی رفع کرده است؛

۴. گرجی‌ها ابقای نظامیان روسی و پایگاه‌های آن کشور در خاک گرجستان را نماد روشنی از سلطه بیگانه و لکه ننگی بر دامن استقلال کشور خود می‌دانند. این امر ضمن

۱. دولت گرجستان تا آن هنگام معتقد بود که به دلیل حساسیت روس‌ها از یک سو و ناهمخوانی ساختارهای نظامی و دفاعی این کشور با ساختارهای ناتو از سوی دیگر و نیز تمرکز توجه ناتو به مناطق دیگری غیر از قفقاز، فعلاً هیچ زمینه‌ای برای پذیرش گرجستان در ناتو وجود ندارد و حمایت تفلیس از چنین برنامه‌ای تنها می‌تواند بر خشم روس‌ها و حامیان داخلی آنها بیافزاید و چشم‌انداز حل مناقشات آبخازیا و اوستیا را تیره‌تر سازد.



افزایش بدبینی آنها نسبت به روسیه، سبب شده است تا به دنبال حامی قویتری برای رها کردن خود از این سلطه باشند و فضای امنیتی جدیدی را جستجو نمایند؛

۵. اقدام نظامی ناتو در بالکان، که نخستین اقدام نظامی این سازمان برای فیصله دادن به یک مناقشه قومی، بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل بود، موجب تقویت این باور و امید در گرجی ها شده که همکاری بیشتر این کشور با ناتو، می تواند به تکرار سناریوی فوق در آبخازیا منجر گردد و ناتو با اقدام نظامی خود، تمامیت ارضی گرجستان را به عنوان یکی از اعضای شورای اروپا تأمین نماید؛

۶. اثبات ناتوانی روسیه و برخی دیگر از اعضای دارای حق وتو در شورای امنیت در بازداشتن آمریکا و ناتو از اقدامات خودسرانه و فاقد مجوز شورای امنیت سازمان ملل - که در موارد حساسی از جمله در جریان حملات آمریکا به عراق، افغانستان، سودان و حملات ناتو به یوگسلاوی کاملاً آشکار شد - موجب تشویق ناتو و اعضای عمده آن در تقویت حضور خود در قفقاز و بالطبع گرجستان گردید.

۷. تمایل جمهوری های قفقاز به غرب و تلاش آنها برای تطبیق با ساختارهای غربی - که عضویت در برنامه مشارکت برای صلح ناتو و تقاضای عضویت یا تحقق عضویت آنها در شورای اروپا از پیامدهای این امر است - نیز، زمینه قانونی و حقوقی لازم را برای تمایلات پیش گفته غرب و ناتو فراهم ساخته است؛

۸. اقدامات به عمل آمده در زمینه تحقق طرح تراسکا و افزایش نقش منابع انرژی و موضوع چگونگی انتقال این منابع به بازارهای جهانی (که غرب معتقد است به دلایل سیاسی و امنیتی خاصی، باید از مسیر آذربایجان و گرجستان صورت گیرد) نیز از دیگر تحولات تأثیرگذار بر تقویت حضور ناتو (به عنوان حافظ منافع غرب) در منطقه و بالطبع گرجستان است؛

۹. راهبرد جدید ناتو، که در سالهای اخیر این سازمان را از اهداف اولیه و تدافعی آن دور کرده و موجب شده است تا برای خود در فضای پهناور اروپا - آتلانتیک رسالت جدیدی قایل گردد نیز از دیگر عوامل مؤثر در تقویت حضور ناتو در قفقاز جنوبی به عنوان بخشی همگرا با اروپا و دروازه ای برای ورود به آسیای مرکزی و خاور دور است.

در بین عوامل و شرایط بیان شده، آنچه بیش از همه به شفافیت و علنی تر شدن تمایل گرجستان برای عضویت در ناتو کمک کرده، بحران اخیر بالکان است. این امر به‌ویژه از آن جهت که یک سابقه و رویه جدید - از نوعی که گرجستان سالها به دنبال آن بود - ایجاد کرده است، سخت مورد توجه تفلیس قرار گرفته و شواردناده از آن به عنوان «یک سنگ محک جهانی که طرفداران واقعی دموکراسی و نژادپرستی را از هم جدا می‌کند و تا حد زیادی تعیین‌کننده آینده سیاسی جهان است» یاد می‌نماید.

همگام و هم‌صدا با شواردناده، نیروهای غرب‌گرای گرجستان هم با صراحت بیشتری از لزوم همگرایی با ناتو سخن می‌گویند و حتی در پاره‌ای از موارد دیدگاه‌های بسیار افراطی‌تری را عنوان می‌نمایند.<sup>۱</sup>

مجموع تحولات و اقدامات مذکور، به‌ویژه موضع‌گیری طرفدارانه تفلیس در قبال اقدام نظامی ناتو در بالکان، که با علم و اطلاع کامل از حساسیت شدید روسیه از یک‌سو، و واکنش منفی کمونیستها و ملی‌گرایان داخل کشور از سوی دیگر، صورت گرفت؛ آخرین تردیدها را در خصوص وفاداری گرجستان به غرب زدود و با تحکیم موقعیت این کشور به‌عنوان پایگاه مطمئن غرب در قفقاز جنوبی، آنان را نسبت به سرمایه‌گذاری روی گرجستان مصمم‌تر ساخت.

تصادفی نیست که در فاصله زمانی مذکور شاهد افزایش شدید رفت و آمدهای متقابل کارشناسان، مسئولان و مقامات نظامی و امنیتی غربی و گرجی و طرح جدی و گسترده مسایل نظامی و امنیتی در ملاقاتها و مذاکرات مقامات سیاسی طرفین هستیم. موارد زیر نمونه‌هایی از این رفت‌وآمدها در آوریل و مه ۱۹۹۹ هستند:

- شرکت هیأت گرجی به ریاست شواردناده در اجلاس آوریل سران ناتو در واشنگتن<sup>۲</sup>؛

۱. افزایش این امیدواری‌ها به مساعدت ناتو در حل نظامی مناقشه آبخازیا به حدی است که در ششم آوریل ۱۹۹۹ کنفرانس گسترده‌ای با شرکت تقریباً همه احزاب دست راستی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس ناتو در پارلمان گرجستان برگزار گردید و در آن ضمن معرفی ناتو به عنوان یگانه تکیه‌گاه صلح در اروپا، توسعه همکاری با این سازمان، تضمین‌کننده امنیت گرجستان در مقابل تجاوز روسیه دانسته شد. برخی از گردانندگان کنفرانس برای تحقق هرچه سریع‌تر همگرایی گرجستان با ناتو، پیشنهادهای نظیر برجیده شدن کلیه پایگاههای روسی و خروج نظامیان آن کشور از خاک گرجستان؛ خروج گرجستان از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و اعطای پایگاههای نظامی به آمریکا در خاک این کشور را مطرح کردند.

۲. همراهان شواردناده در این سفر عمدتاً مقامات نظامی، امنیتی و دفاعی این کشور بودند. وزرای دفاع و

- سفر مدیر شعبه هماهنگ‌کننده برنامه مشارکت برای صلح ناتو به گرجستان در ۱۰ مه ۱۹۹۹؛
- عزیمت گروهی از افسران گرجستان به فلوریدای آمریکا در ۱۱ مه برای شرکت در مانوری در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح ناتو؛
- سفر ۵ روزه هیأتی از شورای ناتو به گرجستان به سرپرستی رئیس کمیته فرعی گسترش ناتو در ۱۲ مه؛
- سفر استفان سستانویچ مشاور ویژه آلبرایت، ارونر معاون وزیر دفاع، اواست مشاور وزیر دفاع و جمعی از نظامیان آمریکا به گرجستان در ۱۹ مه<sup>۱</sup>؛
- سفر وزیر دفاع گرجستان به اوکراین؛ چک و آلمان از ۱۵ لغایت ۲۰ مه ۱۹۹۹ که سفر وی به آلمان به منظور مشارکت در مانوری در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح ناتو صورت گرفت؛
- سفر رؤسای کمیته‌های روابط خارجی و امور دفاعی و امنیتی پارلمان گرجستان به ورشو در هفته پایانی ماه مه برای شرکت در اجلاس شورای ناتو؛
- سفر هیأت کمیسیون تحقیقات امنیتی آمریکا به ریاست گرات سناتور سابق به گرجستان<sup>۲</sup>؛
- همکاری‌های گرجستان و ناتو که با عضویت این کشور در برنامه مشارکت برای صلح آغاز شده، به تدریج ابعاد گسترده‌تری یافته است. موارد زیر محورهای عمده برخی از همکاری‌های گرجستان و ناتو می‌باشند:
- شرکت فعالانه نظامیان گرجی در مانورهای نظامی ناتو که به‌طور متوسط به بیش از یک صد مورد در سال می‌رسد؛

امنیت؛ رئیس دپارتمان مرزبانی و رئیس کمیته امنیت و دفاع پارلمان از جمله همراهان شواردناده در این سفر بودند.

۱. در جریان سفر سستانویچ به گرجستان اعلام شد که آمریکا علاوه بر تخصیص یک کمک ۳۴ میلیون دلاری به مرزبانی گرجستان؛ برای تأمین امنیت خط لوله باکو - سوپسا هم ۵ میلیون دلار به گرجستان کمک می‌کند. همچنین مقامات گرجی در حاشیه این دیدار اعلام داشتند که آمریکا به زودی ۱۰ فروند چرخ‌بال ترابری نظامی به گرجستان خواهد داد.
۲. این کمیسیون در سال ۱۹۹۸ به ابتکار کنگره آمریکا تشکیل شده و ۱۵ تن از نمایندگان سابق سنا، نظامیان ارشد، سفرا و بازرگانان آن کشور در آن عضویت دارند.



- ۱- عضویت گرجستان در برنامه «آسمان باز»؛
- ۲- تشویق گرجستان به اخراج نیروهای مرزبانی روسیه و کمک به این کشور در زمینه ایجاد و تقویت ساختار مرزبانی مستقل از مسکو؛
- ۳- شرکت ناتو در تدوین راهبرد دفاعی گرجستان از طریق شورای رایزنان بین‌المللی؛
- ۴- موافقت اصولی ناتو با اعطای موضع عضو وابسته به گرجستان در شورای ناتو؛
- ۵- کمک به گرجستان برای تطبیق ساختارهای نظامی، دفاعی و امنیتی این کشور با معیارهای ناتو (آموزش وسیع افسران و نظامیان گرجستان در آموزشگاههای غرب، کمک‌های مشاوره‌ای ناتو و اعضای آن به گرجستان در تدوین راهبرد دفاع و امنیت ملی و کشف و مبارزه

۱. گرجستان از بهار ۱۹۹۸ به عضویت این برنامه که بخشی از برنامه امنیت اروپاست درآمد است. گفتنی است که خلبانان آمریکایی و انگلیسی در چارچوب این برنامه در تابستان ۹۸ و بهار ۹۹ با هواپیماهای ویژه شناسایی و عکسبرداری پروازهایی بر فراز گرجستان انجام دادند.

۲. تحقق عملی مرزبانی مستقل گرجستان که در سال گذشته میلادی به تصویب رسید، به تصریح مقامات گرجی، بدون حمایت سیاسی، نظامی و فنی غرب و ناتو ممکن نبود. بیشترین کمک‌ها در این خصوص از سوی کشورهایی که عمدتاً اعضای ناتو هستند و مشخصاً چهار کشور آمریکا، انگلیس، ترکیه و اوکراین در اختیار گرجستان گذاشته شد. امکانات، تسهیلات و خدمات مذکور شامل دهها فروند قایق مرزبانی؛ چرخ‌بال؛ تجهیزات مخابراتی؛ خدماتی، فنی و آموزشهای نظامی است که اغلب به صورت رایگان و بعضاً به صورت اعتبارات ترجیحی به گرجستان اعطا گردیده است.

۳. این شورا در چارچوب توافقی که با وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع؛ شورای امنیت ملی و کمیته امنیت و دفاع پارلمان در ۱۴ آوریل ۱۹۹۸ حاصل شد، تشکیل گردید. ریاست آن را ژنرال هاری جانسون فرمانده سابق نیروهای شمالی ناتو به عهده دارد. یک ژنرال آلمانی که قبلاً رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ناتو بوده و ژنرال دوید اوکمانک که پیشتر ریاست دایره برنامه‌ریزی‌های سیاسی و استراتژیک وزارت دفاع آمریکا را به عهده داشت، از دیگر اعضای این شورا هستند. این شورا مسئولیت دارد تا با همکاری وزارت دفاع گرجستان استراتژی دفاع ملی و امنیت گرجستان را تدوین نموده و در اصلاح ساختار ارتش گرجستان به این کشور کمک کند. شورای مذکور حاصل بررسی‌های یک‌سال گذشته خود را که بخشی از یک برنامه پیش‌بینی شده چهار ساله است، در جلسه مورخ ۲۲ مه ۱۹۹۹ شورای امنیت ملی گرجستان به استحضار شواردناده رساند. به دستور شواردناده برنامه پیشنهادی این شورا ظرف یک‌ماه در وزارتخانه‌ها و ادارات ذیربط بررسی و برای نهایی کردن به شورای امنیت ملی عودت داده خواهد شد.

۴. قرار بود در اجلاس ۲۸ مه ۱۹۹۹ این شورا در ورشو، به گرجستان عضویت وابسته شورای مذکور، که عالیترین سطح همکاری با ناتو از سوی کشورهای غیرعضو آن سازمان است، اعطا گردد اما برابر آخرین اخبار واصله این امر به دلایلی به پاییز سال جاری موکول شده است. گفتنی است که تنها سه کشور روسیه، اوکراین و مولداوی از میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تاکنون چنین عضویتی را در شورای ناتو احراز کرده‌اند.

با اقدامات تروریستی<sup>۱</sup> از نمونه‌های این مساعدتها هستند؛

- کمک ناتو به گرجستان در امر آموزش زبان انگلیسی به نظامیان (این امر - به عنوان پیش‌نیاز توسعه فراگیر همکاری نظامیان گرجستان و ناتو - به ویژه در دوره توزادزه با جدیت دنبال می‌شود)؛

- کمک ناتو به گرجستان در خصوص دفن زیاله‌های اتمی باقی‌مانده از قبل در این کشور؛

- همکاری ناتو و گرجستان برای برگزاری هرچه بهتر مانور نظامی چندملیتی در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح در گرجستان که قرار است در سال ۲۰۰۱ برگزار گردد. ناتو برای توسعه همکاری‌های خود با گرجستان به صورت تلویحی یا به صراحت، بر لزوم رفع پاره‌ای از موانع تأکید کرده است. برخی از این موانع اکنون مرتفع شده و پاره‌ای از آنها همچنان باقی است.

اصلاح ساختارهای نظامی این کشور؛ خارج کردن اداره مرزبانی از مجموعه وزارت دفاع و قرار دادن آن زیر نظر وزارت کشور؛ حل و فصل مناقشات موجود در گرجستان<sup>۲</sup>؛ خروج این کشور از سیستم امنیت دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ عدم تصویب قرارداد اعطای پایگاههای نظامی به روسیه در گرجستان از سوی پارلمان این کشور؛ تلاش برای برچیده شدن این پایگاهها از گرجستان؛ اخراج مرزبانان روسی از گرجستان و ایجاد مرزبانی مستقل از جمله این موارد هستند که دو مورد اول از سوی مقامات ناتو به صراحت مطرح شده و بقیه موارد به شیوه‌های دیگری به گرجی‌ها تفهیم گردیده است.

سیر تحولات مذکور نشان می‌دهد که همکاری‌های گرجستان و ناتو روزه روز تشدید و تعمیق خواهد یافت و این فرآیند در واقع حلقه‌ای از راهبرد حساب‌شده ناتو برای گسترش به شرق است.

۱. به دنبال اقدام تروریستی علیه جان شوارنادزه در فوریه ۹۸، گروهی از مأموران سرویسهای ویژه آمریکا مأموریت یافتند در رابطه با شناسایی عاملان این اقدام و اقدامات مشابه با ارگانهای ذیربط گرجی همکاری نمایند.  
۲. طبق اساسنامه ناتو ممالکی چون گرجستان که در آنها مناقشات قومی (چون مناقشه آبخازیا) جریان دارد نمی‌توانند عضو ناتو شوند.



تصمیمات متخذه در آخرین اجلاس سران ناتو (آوریل ۱۹۹۹ - واشنگتن) که هنوز چنانکه باید و شاید مورد ارزیابی قرار نگرفته، مؤید این امر است. اجلاس مذکور چارچوب امنیتی جدیدی را در آستانه قرن بیست و یکم ترسیم کرد. یکی از دستاوردهای عمده این اجلاس کمرنگ کردن محدودیتهای جغرافیایی، فراتر بردن ناتو از مرزهای سنتی آن و گسترش حوزه مانور این سازمان در فضای اروپا - آتلانتیک است. فضایی که تماماً مرزهای جغرافیایی آن به روشنی تعریف نشده است.

با توجه به عضویت بسیاری از جمهوریهای شوروی سابق، از جمله کشورهای آسیای مرکزی در شورای همکاری اروپا - آتلانتیک، می توان دریافت که فضای مورد نظر ناتو، دست کم از اقیانوس اطلس تا آسیای مرکزی گسترده است و ناتو مأموریت دارد تا بر جریان حوادث در این عرصه پهناور نظارت کند و این امر حق انحصاری او تلقی می شود.

قفقاز جنوبی بخش مهمی از فضای جدیدی است که علاوه بر ایفای نقش محوری در تحقق طرح های نفتی و ترانزیتی، از بُعد امنیتی نیز حائز اهمیت ویژه ای است و به همین دلیل در مرکز توجه ناتو قرار گرفته است. گرجستان به عنوان دروازه ورودی قفقاز و حساسترین بخش آن، از گسترش ناتو و اقدامات جدید آن به گرمی استقبال می کند و آن را از هر لحاظ منطبق با منافع خود می بیند.

تأکید شوارنادزه بر ناکارآمدی سیستم امنیتی موجود جهان (ناتوانی شورای امنیت سازمان ملل در تأمین و تضمین صلح جهانی)؛ اصرار وی بر لزوم تجدیدنظر در سازوکارهای موجود برای برقراری صلح جهانی و حل مناقشات قومی با استفاده از زور؛ اظهارات صریح او مبنی بر اینکه «نقشه های موجود جهانی متناسب با شرایط جنگ سرد تهیه شده و اکنون دنیا چهره جدیدی یافته و نیازمند نقشه های تازه و واقع گرایانه دیگری است» و تلقی وی از ناتو به عنوان «نیروی که قادر است صلح را در هر نقطه زمین که بخواهد مستقر نماید» مؤید دیدگاه جدید گرجستان نسبت به گسترش ناتو و برنامه نوین آن است.

شوارنادزه گسترش ناتو و مأموریت ویژه این سازمان در حل مناقشات بین المللی را یک رسالت تاریخی قلمداد کرده و در خصوص مباحثت یا عدم مباحثت آن با منافع روسیه، با لحن نیشداری می گوید: «مأموریت جدید ناتو با منافع روسیه منافاتی ندارد؛ زیرا اکنون هر



کشوری باید به جایگاهی که تاریخ برای آن کشور در نظر گرفته است، قانع باشد. نکته مهم دیگری که در گسترش ناتو به شرق - به خصوص در قفقاز جنوبی - نباید از نظر دور نگه داشته شود، انطباق این گسترش با منافع اقتصادی غرب است. به عبارت دیگر دو محور و هدف «گسترش و توسعه نظامی - امنیتی» و «تشدید حضور اقتصادی» غرب در منطقه به شکل تأمل برانگیزی به موازات و همگام با یکدیگر دنبال می شوند. کمک ناتو به گرجستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه در تشکیل گردانهای حافظ امنیت خط لوله نفت و یا تشویق این کشور به کنترل مرزهای ساحلی خود، که یکی از مهمترین گذرگاههای نقل و انتقال کالاها و منابع از آسیای مرکزی به اروپا و بالعکس است، از شواهد این مدعا هستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی